

در عراق موانع و دشواری‌های زیادی از وجود جامعه‌ای با طیف وسیعی از مذاهب و قومیت‌ها گرفته تا انحصارطلبی برخی احزاب، جریان‌ها و شخصیت‌های سیاسی مانند جریان صدر نقش آفرین است که، نه در کوتاه مدت و میان مدت که حتی در بلند مدت متدلوژی دموکراسی را به نهایت ناکارآمدی خواهد کشاند.

شرایط فعلی که اکنون در عراق وجود دارد بیش از هر چیزی می‌تواند دموکراسی نوپا در این کشور را به واسطه فساد گسترده و فراگیر، محاصره (سیاست سهمیه‌بندی)، ناتوانی در بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی، افزایش اشتغال، کم‌کاری فاحش در رسیدگی به وضعیت خدماتی و نظایر آن خشک کند. از طرف دیگر عملاً چرخه معیوب دموکراسی در عراق سبب شده، نه تنها حکومت مردم بر مردم را برای سال‌ها به یک رؤیا بدل کرده است و در کنارش روز به روز شاهد ظهور فساد سیستماتیک و فراگیر در ساختار سیاسی این کشور هستیم، بلکه در سایه فقر گفتمان دموکراتیک فضا برای تحرکات و تکاپوهای سیاسی اجتماعی با محوریت عدالت خواهی در برهه‌های حساس عراق بخصوص انقلاب اکتبر ۲۰۱۹ شکل می‌گیرد که در حقیقت باید از این نوع تکاپوهای سیاسی در ساختارهای حاکمیتی سنتی مانند عراق بیشتر به عنوان یک حرکت اپورتونیستی (فرصت‌طلبانه)، موج سواری و فرار رو به جلو با هدف تظہیر خود از گرداب فساد و نهایتاً قبضه قدرت یاد کرد.

پهلوی به پهلوی دولت رسمی عراق به حیات خود در این سال‌ها ادامه داده است، بخصوص با روی کار آمدن عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر پیشین عراق و پس از آن مصطفی الکاظمی فضای برای سنگین‌تر شدن سایه صدر بر ساختار سیاسی عراق به شکل جدی مهیا شد. لذا اکنون هم شرایط برای رهبر جریان صدر به‌منظور گسترش هر چه بیشتر نفوذش در ساختار رسمی قدرت فراهم است.

به بیان دیگر اکنون مقتدی صدر و جریان متبوعش با مقبولیت نسبی مردمی به دنبال مشروعیت بخشیدن هر چه بیشتر خود در ساختار قدرت رسمی کشور عراق است. با این وصف مقتدی صدر بدون در نظر داشتن وضعیت بحرانی عراق در سایه عدم کارایی دولت‌های پیشین در مبارزه با فساد گسترده و سیستماتیک در این کشور، عدم تشکیل دولت سهامی، بهبود وضعیت اشتغال، ارتقای سطح معیشت و برخورداری جامعه از خدمات حداقلی شهری، تلاشی برای حل مشکلات و برون رفت این کشور از چالش‌ها و معضلات درگیر ندارد. چرا که جریان صدر خود بخشی از مشکلات عراق نوین پس‌اصدام در طول ۱۹ سال گذشته بوده است.

در نتیجه بی‌شک کسب کرسی‌های پارلمانی در چرخه معیوب دموکراسی عراقی نمی‌تواند شاخصی جدی بر مقبولیت و صد البته محبوبیت احزاب و شخصیت‌هایی چون صدر و صدری‌ها باشد. پیرو آنچه عنوان شد متأسفانه در مسیر تعمیق گفتمان دموکراسی

لذا در این دو دهه‌ای که از عمر دموکراسی در عراق می‌گذرد، انتخابات، نه برای تعمیق گفتمان دموکراسی که ابزاری برای در اختیار گرفتن قدرت به شمار می‌رود؛ رویه و چرخه معیوبی که در نهایت نمی‌تواند چرخش قدرت را محقق کند، بلکه سکون قدرت را به دنبال داشته است. چرا که تنها بخش معدودی از احزاب، چهره‌ها و شخصیت‌های عراقی که در همین دو دهه در بدنه قدرت حضور داشته‌اند توان و اجازه شکل دهی نظام سیاسی در این کشور را دارند.

همان‌گونه که پیشتر هم عنوان شد مصداق بارز این مهم به جریان صدر و شخص مقتدی صدر باز می‌گردد. در سایه عملکرد چنین افرادی عراق نوین بعد از صدام حسین بشدت با مقوله فساد سیستماتیک از فساد مالی تا فساد سیاسی، فساد اداری و... دست به گریبان بوده است. اما همین شخص و حزب متبوعش، هم در انتخابات پارلمانی ۲۰۱۸ عراق و هم در انتخابات زود هنگام سال گذشته (میلادی) توانست به واسطه چرخه معیوب دموکراسی و صرفاً از مسیر برگزاری انتخابات کماکان خود را به عنوان مهمترین مهره در بدنه قدرت و ساختار سیاسی این کشور حفظ کند. به هر حال مقتدی صدر شناخته شده‌ترین بازمانده خاندان صدر با محبوبیتی نسبتاً پررنگ بین شیعیان عراق و گستردگی بسیار در مسائل اجتماعی، خدماتی، مذهبی، سیاسی، بین‌المللی، رسانه‌ای و نظامیان قدرتمندش به مثابه یک دولت،

در این دو دهه
ای که از عمر
دموکراسی در
عراق می‌گذرد
انتخابات، نه برای
تعمیق گفتمان
دموکراسی که
ابزاری برای در
اختیار گرفتن
قدرت به شمار
می‌رود؛ رویه و
چرخه معیوبی
که در نهایت
نمی‌تواند
چرخش قدرت را
محقق کند، بلکه
سکون قدرت را
به دنبال داشته
است.

شرایط اقتصادی، معیشتی، اجتماعی و... در اندازند، غافل از اینکه در طول تاریخ عراق همیشه یک گروه خاص سیاسی با محوریت طبقه الیت (نخبه)، روندها را مطابق با اهداف و منافع خود رقم زده است و در این بین توده‌های مردم به طور واقعی مؤثر نبوده‌اند. از این رو اکثریت مردم این کشور زمانی که خواسته‌ها، انتظارات و مطالبات خود را در سایه انقلاب اکتبر ۲۰۱۹ توسط همین طبقه الیت مصادره شده دیدند، سبب شد تا نوعی بیهودگی، یأس و انفعال در جامعه عراق ریشه بدواند.

باید این واقعیت را پذیرفت که وجود ساختار سنتی، آن هم در جوامع در حال توسعه‌ای نظیر عراق موانع سنگینی در مسیر رشد سیاسی ایجاد می‌کند. البته علت بیشتر مشکلات سیاسی به وجود آمده در جامعه‌ای چون عراق ناشی از به هم خوردن وضع سنتی توسط فرایندهای رشد دموکراسی و از آن مهمتر عدم تطابق فرم دموکراسیزاسیون با ساختار سنتی، مذهبی، طایفه‌ای و عشیره‌ای این کشور است.

لذا بدیهی است که حرکت شتابنده تجددخواهی برای مدرن کردن جامعه‌ای چون عملاً باعث از هم گسیختگی‌های سیاسی - اجتماعی در این کشور می‌شود که نهایت امر، نه جامعه سنتی می‌تواند به بقای خود ادامه دهد، نه تجدد و روشنفکری نضج لازم را پیدا می‌کند و نه دموکراسی قوام خواهد یافت؛ چیزی که ما امروز در عراق شاهد آن هستیم تجلی عینی همین وضعیت است.

